

واژه‌ها و اصطلاحات مربوط به شتر و شترداری در گویش رودبار کرمان

معصومه سمیعی‌زاده (دانشجوی دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی)
حسن درویشی دیوان‌مراد (کارشناس ارشد فرهنگ و زبان‌های باستانی)

۱. مقدمه

شهرستان رودبار در جنوب شرقی استان کرمان واقع شده است. این منطقه با مساحت ۶۸۶۴ کیلومتر مربع، از شرق به بلوچستان، از غرب به شهرستان کهنوج، از شمال به شهرهای عنبرآباد و بم و از جنوب به شهرستان قلعه گنج محدود می‌شود.

گویش رودبار یکی از گویش‌های بشگردی است که در جنوب استان کرمان در شهرستان‌های رودبار جنوب، کهنوج، منوجان، قلعه گنج و بخش‌هایی از جیرفت و عنبرآباد رایج است. ویژگی‌های آوایی و ساخت دستوری این گویش نشان می‌دهد که به شاخه زبان‌های ایرانی جنوب غربی تعلق دارد.

هدف از نگارش این مقاله، گردآوری و طبقه‌بندی واژه‌ها و اصطلاحات مربوط به شتر و شترداری در گویش رودبار کرمان است. شتر تنها حیوانی است که در شرایط سخت کویری می‌تواند کم‌آبی، گرمای شدید، باد و طوفان و کم‌غذایی را تحمل کند، به همین سبب به‌عنوان عامل تولید و اشتغال نسبت به سایر دام‌ها در این منطقه برتری دارد. جمع‌آوری داده‌ها، به روش پژوهش میدانی و گفت‌وگو با ساربانان باتجربه انجام شده است. نام و مشخصات گویشوران این

پژوهش به شرح زیر است:

۱. مراد حسن‌پور؛ ۷۷ ساله؛ بی‌سواد؛ ساریان.
۲. دُر محمد سالاری؛ ۵۵ ساله؛ بی‌سواد؛ ساریان، دامدار و کشاورز.
۳. چراغ سالاری؛ ۴۰ ساله؛ بی‌سواد؛ دامدار و ساریان.
۴. حسین سلیمانی؛ ۴۰ ساله؛ بی‌سواد؛ کشاورز، دامدار و ساریان.

۲. نام‌های شتر

۱.۲. نام شتر بر اساس سن و جنس

- /čār/: شتری که چهار دندان دارد و شش ساله است.
- /dovak/: شتری که دو دندان دارد و چهارساله است.
- /hāši-e tarreg/: شتری که تازه متولد شده است.
- /jong/: شتر نر یک تا سه ساله.
- /luek/: شتر نر بالای سه سال.
- /maji/: شتر ماده بالای سه سال.
- /maji-rasmi/: شتر ماده بالای سه سال که زایمان نکرده است.
- /nieš/: شتر ماده هفت ساله و آماده جفت‌گیری.
- /pārak/: شتر یک ساله.
- /pārčemel/: شتر ماده یک تا سه ساله.
- /pirārak/: شتر دو ساله.
- /rasmi/: شتر ماده بعد از سه سالگی.

۲.۲. نام شتر بر اساس رنگ

- /buer/: شتر با دست و پای سفید و گوش کهربایی رنگ.
- /buer-sangol/: شتری که رنگ بدنش روشن است.
- /hārg/: شتر خاکستری.
- /kirg/: شتر سیاه.

/safied-e pāk/: شتر سفید.

/sagār/: شتری که پیشانی‌اش سفید است.

/sohr/: شتر سرخ‌رنگ.

/spiet/: شتر سفید.

/zard/: شتر زرد.

/zard-e sireg/: شتر زرد مایل به طلایی.

۳.۲. نام شتر بر اساس شکل ظاهری و صفات

/āwos/: شتر آبستن.

/baroki/: شتر وحشی.

/ber/: شتر عصبانی و ناآرام.

/dastoki/: شتر اهلی شده و آموزش دیده.

/do-kohanga/: شتر دوکوهانه.

/ešterekon/: شترهای کم سن و سال.

/gār/: شتر گم شده.

/gerende/: شتر نری که در گله با شترهای دیگر در جنگ است.

/gohort/: شتر قوی هیکل.

/hāši/: بچه شتر.

/hāšig/: بچه شتر.

/jālag-band/: شتری که هنوز امکان سواری گرفتن از آن نیست.

/jamāze/: شتر جوانی که می‌تواند سواری دهد.

/jaruet/: ماده شتر پیر و ازکارافتاده.

/jolo-kaš/: شتری که جلوی گله حرکت می‌کند (راه‌بلد).

/lami/: شتر آموزش دیده.

/lok/: شتری که پاهایش کوتاه است.

/luek/: شتر نر.

/luek-e doz/: شتر چابک و بازیگوش.

- /luek-e naters/: شتر ترس و قوی.
/luek-e sând/: شتر چابک و قوی.
/mādeg/: شتر ماده.
/māhed/: شتر در حال زایمان.
/māl-šaneki/: شتر نذری.
/māyeyi/: شتر باردار.
/mordahg/: شتر لاغر.
/nazār/: شتر عقیم.
/now-čamel/: شتری که می‌تواند سواری دهد.
/pir-e luek/: شتر نر پیر و ازکارافتاده.
/rohk/: شتر بی‌مو که از نظر ظاهری نسبت به سایر شترها زیباتر است.
/sara-ye ešteron/: بزرگ‌ترین شتر گله از نظر سن و نیرو.
/šal/: شتر خسته.
/šalag/: شتر لاغر.
/tā-guš/: شتر یک‌گوش.
/teraki/: شتری که بر اثر پرخوری می‌میرد.
/tohm-e gala/: شتر نر گله.
/vašāl/: شتر قوی‌هیكل.
/velaki/: شتر ولگرد.
/veylāk/: شتر وحشی.
/xorram/: شتر جوان.
/ya-kohanga/: شتر یک‌کوهانه.
/yeli/: شتر غیربومی.

۳. اجزای بدن شتر

- /češ/: چشم.
/damāg/: بینی.

- /dendon/ : دندان.
/donb/ : دُم.
/dum/ : دُم.
/estak/ : استخوان.
/gompa-luek/ : فضله شتر.
/gordeg/ : کلیه.
/kaf-e ešter/ : آب دهان شتر.
/kāvak/ : گودی پشت زانوی شتر.
/kokang/ : کوهان.
/kuend/ : زانو.
/lap/ : دست‌وپای شتر.
/low-lapuzg / : دهان و بینی.
/majuelak/ : استخوان زانوی شتر.
/mozg/ : گردن.
/mud/ : مو.
/nāl/ : سُم.
/pahlu/ : دنده.
/paš-pā/ : قسمت پایین پاهای شتر.
/pig/ : چربی.
/puest/ : پوست.
/rouetik/ : روده.
/segendag/ : معده.
/somp/ : سُم.
/sor/ : لب.
/zobon/ : زبان.

۴. اصوات و صداهای مربوط به شتر

/damzag/: صدای شتر هنگام دیدن بچه یا جفت.

/ehey/: صوتی که ساربان برای چریدن شتر به کار می‌برد.

/ex/: صوتی برای نشان دادن شتر.

/heyhā/: صوتی برای برگرداندن شتر.

/kārag/: صدای شتر هنگام بستن و مهار شدن.

/piele jaden/: صدای شتر نر، هنگام دیدن شتر ماده.

۵. بیماری‌های شتر

/bojā-ruek/: ورم سر شتر.

/gorompak/: فلجی.

/morgak/: فلجی گردن شتر.

/nās/: کم‌اشتهایی شتر.

۶. ابزارها و فرآورده‌های مربوط به شتر

/boju/: دوغ گازدار شتر.

/hayyet/: کجاوه شتر.

/juwal/: کیسه‌ای که از پشم و موی شتر درست می‌کنند.

/lāti/: ابزاری چوبی که از بینی شتر عبور می‌دهند و برای مهاربند شتر استفاده می‌شود.

/lobā/: اولین شیر شتر.

/poj/: دوغ ترش شتر.

/tāzeg/: شیر شتر.

۷. نام انواع داغ شتر

/dāg-hašti/: نوعی داغ به شکل عدد هشت.

/derāz-dāgi/: نوعی داغ به شکل خط افقی.

- /jalag-dāg/: نوعی داغ شتر.
/nāl-dāgi/: داغ شتر به شکل هلال ماه.
/navāb-šāhig/: نوعی داغ شتر.
/sepenčaki/: نوعی داغ که براساس آن نژاد خوب شتر مشخص می‌شود.
/šah-dāg/: نوعی داغ شتر.

۸. افعال و اعمال مربوط به شتر

- /be guem rowten/: آهسته راه رفتن شتر.
/čegal dāden/: انداختن بار به وسیله شتر بر روی زمین.
/došten/: دوشیدن شتر.
/garden gerekā/: بازی کردن شترها باهم.
/ger buden/: جمع شدن شترها دور هم.
/jamāz buden/: بر شتر سوار شدن.
/jamāz kerden/: بر شتر سوار کردن.
/jarre kerden/: نشخوار کردن.
/juekenden/: نشان دادن شتر، شتر را به نشستن وادار کردن.
/juekiden/: نشستن شتر.
/kambiel/: حرکاتی که شتر پس از رها شدن، انجام می‌دهد.
/kārag zaden/: نعره زدن شتر.
/keyd kerden/: به هم بستن دو دست شتر.
/mečiden/: شیر خوردن شتر.
/mil rowten/: گیر افتادن شتر در گل و باتلاق.
/mošag/: رم کردن شتر.
/rāh rowten/: راه رفتن شتر.
/rek rowten/: گیر افتادن شتر در گل و باتلاق.
/šerā kerden/: بازی کردن شترها باهم.
/terās/: دویدن شتر.

- /terampueli/: حرکاتی که شتر پس از رها شدن، انجام می‌دهد.
/terapue/: حرکاتی که شتر پس از رها شدن، انجام می‌دهد.
/yer dāden/: فراری دادن شتر.
/yer kerden/: فرار کردن شتر.
/yow xwarden/: آب خوردن شتر.

۹. واژه‌های متفرقه

- /bādi/: سطل شیردوشی شتر.
/bāyde/: سطل شیردوشی شتر.
/bag/: به مجموع چند گله شتر با هم، بگ می‌گویند.
/ešter/: شتر.
/hued/: آبشخور شتر.
/huet/: نام طایفه‌ای که شغل آنها شترداری است.
/jat/: نام طایفه‌ای که شغل آنها شترداری است.
/jolodār/: کسی که جلوی قافله شترها حرکت می‌کند.
/kāhriez/: انبار علوفه شتر.
/marāg/: مکانی پوشیده از ماسه و خاک و محل بازی شترها.
/mieski/: چراگاه شتر.
/sārabon/: ساربان، کسی که انتهای قافله شترها حرکت می‌کند.
/sar-qāfele/: سرقافله، کسی که پیشاپیش قافله شترها حرکت می‌کند.